

درس ۲: از آموختن، ننگ مدار

این درس از کتاب «قابوس‌نامه» نوشته «عنصرالمعالی کیکاووس» است.

ماجرای این درس ...

«عنصرالمعالی» یک حاکم مملی و در عین حال، یک پدر مهربونه که می‌شواد راه و رسم زندگی رو به فرزندش یاد بده. به نظر تون پیا می‌گه؟!

تا توانی از نیکی‌کردن میاسا و خود را به نیکی و نیکوکاری به مردم نمای و چون نمودی به خلاف نموده، مباش.

آسودن، درنگ کردن، آرام گرفتن، میاسا، آرام نگیر
نموده، نشان داده، ارائه کرده، آشکار کرده

معنی تا می‌توانی از نیکی‌کردن دست نکش و خودت را به خوبی و نیکوکاری به مردم نشان بده و زمانی که خود را این‌گونه نشان دادی، برخلاف آنچه نشان داده‌ای رفتار نکن. **مفهوم** نیکوکاری در ظاهر و باطن **دستور** نهاد جمله‌ها «تو» است: [تو] تا توانی و ... / بخشی از جمله بعد از «چون» به قرینه لفظی حذف شده است: خود را به نیکی و نیکوکاری به مردم نمای و چون [خود را به نیکی و نیکوکاری به مردم] نمودی ... / نمای: فعل امر از مصدر «نمودن» / «میاسا» و «مباش»: فعل نهی به ترتیب از مصدرهای «آسودن» و «بودن».

(برگرفته از امتحانات مدارس کشور)

سؤال: حذف و نوع آن را در عبارت زیر نشان دهید.

خود را به نیکی به مردم نمای و چون نمودی به خلاف نموده مباش.

پاسخ: در عبارت، حذف به قرینه لفظی وجود دارد: خود را به نیکی به مردم نمای و چون [خود را به نیکی و نیکوکاری به مردم] نمودی به خلاف نموده مباش.

به زبان، دیگر مگو و به دل، دیگر مدار، تا گندم‌نمای جو فروش نباشی. و اندر همه کاری داد از خویشتن بده، که هر که داد از خویشتن بدهد، از داور مستغنی باشد.

داد دادن، عدالت ورزیدن، حق را رعایت کردن
داد از خویشتن دادن، کارهای خود را محاسبه و داوری کردن
مستغنی: بی‌نیاز

معنی به زبان سخنی نگو که برخلاف عقیده‌ای باشد که در دل داری، تا مانند کسی نباشی که گندم نشان می‌دهد، اما در واقع جو می‌فروشد (ظاهر عملت درست و باطن آن نادرست باشد) و در همه کارها خودت عدل و انصاف را رعایت کن، زیرا هر کس کارهای خود را محاسبه و دادرسی کند، از داور بی‌نیاز است. **مفهوم** پرهیز از دورویی و ریاکاری و توصیه به حسابرسی اعمال خود **آرایه** گندم‌نمای جو فروش: کنایه از انسان دورو و ریاکار / گندم و جو: تضاد («گندم» در گذشته، گران و «جو» ارزان بوده است؛ به همین دلیل «گندم» نماد هر چیز ارزشمند و «جو» نماد هر چیز کم‌ارزش است.) / «گندم و جو» - «زبان و دل»: تناسب / «گندم‌نمای جو فروش» مثل است. / دیگر - داد - خویشتن: تکرار / تلمیح به حدیث: حاسبوا قبل أن تحاسبوا: به حساب اعمالتان برسید، قبل از اینکه به حسابتان رسیدگی شود. **دستور** دیگر: مفعول / «مگو» و «مدار»: فعل نهی به ترتیب از مصدرهای «گفتن» و «داشتن» / بده: فعل امر از مصدر «دادن» / باشد: در این جا معادل «است» و مضارع اخباری است.

(نهایی فرداد ۱۴۰۲)

سؤال: حدیث «حاسبوا قبل أن تحاسبوا» با کدام عبارت قرابت معنایی دارد؟

(۱) به زبان دیگر مگو و به دل دیگر مدار. (۲) اندر همه کاری داد از خویشتن بده.

پاسخ: گزینه «۲»

(برگرفته از امتحانات مدارس کشور)

سؤال: معنای واژه مشخص شده را بنویسید. «هر که داد از خویشتن بدهد از داور مستغنی باشد».

پاسخ: مستغنی: بی‌نیاز

(برگرفته از امتحانات مدارس کشور)

سؤال: عبارت زیر را به نثر روان معنی کنید.

اندر همه کاری داد از خویشتن بده که هر که داد از خویشتن بدهد از داور مستغنی باشد.

پاسخ: در همه کارها خودت عدل و انصاف را رعایت کن، زیرا هر کس کارهای خود را محاسبه و دادرسی کند، از داور بی‌نیاز است.

(برگرفته از امتحانات مدارس کشور)

سؤال: مفهوم این عبارت چیست؟ «گندم‌نمای جو فروش مباش».

پاسخ: پرهیز از دورویی و یکی کردن ظاهر و باطن

تیمار، غم، حمایت و نگاهداشتن، توجه، تیمار داشتن، غمخواری و محافظت از کسی که بیمار باشد یا به بلا و رنجی گرفتار شده باشد، پرستاری و خدمت کردن

و اگر غم و شادایت بُود، به آن کس گوی که او تیمار غم و شادی تو دارد، و اثر غم و شادی پیش مردمان، بر خود پیدا مکن.

معنی و اگر غمگین یا شاد بودی، به کسی بگو که غم و شادی تو برایش مهم باشد و به آن توجه کند و نزد مردم، تأثیر غم و شادی را در چهره‌ات آشکار نکن (خویشتن دار باش). **مفهوم** حفظ راز دل و خویشتن داری **آرایه** غم و شادی: تضاد / تیمار کسی را داشتن: کنایه از توجه کردن به او / غم - شادی: تکرار